

Research Article

Challenges to Creating Impact in Humanities and Social Sciences in Iran: A Grounded Theory Analysis¹

Hamid Golhasany

Ph.D. Student in Educational Studies, McGill University, Montreal, Canada (**Corresponding Author**), hamid.golhasany@mail.mcgill.ca

Tahere Hosseini

Ph.D. Student in Higher Education Management, Urmia University, Urmia, Iran.
t_hosseini@urmia.ac.ir

Mohammad Hassanzadeh

Professor, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
hasanzadeh@modares.ac.ir

Abstract

Aim: Increasingly, researchers and universities are demanded to demonstrate the relevance of their publicly funded research projects to societal challenges and development. This societal contribution is referred to as research impact in Iran. The primary purpose of the present study was to evaluate the challenges of creating research impact in Social Sciences and Humanities (SSH) in Iran's context. To do so, we investigated participants' viewpoints from the research community and potential research users.

Methodology: This was a qualitative study with an explanatory orientation to address the study aim. Participants were SSH researchers and research managers at Iranian national universities as well as representatives of governmental organizations that had direct roles in the production or the use of research results. We used purposeful snowball sampling to identify participants with relevant knowledge and experience. Accordingly, we carried out semi-structured interviews with 16 participants. For analyzing the data, the grounded theory method was used, and then a final theory was formed.

Findings: Data from the interviews represented broad challenges in the process of research to impact. Specifically, these challenges were classified into six categories, namely, the core phenomenon, causal, contextual, and intervening conditions, strategies, and consequences. Each of these categories relates to a different aspect of challenges that researchers or potential users face in knowledge mobilization and uptake of research evidence.

Conclusions: The study revealed that the main obstacle to creating research impact in SSH in Iran is the lack of a definition for knowledge mobilization that is appropriate to SSH research.

The current definitions and structures in universities are not consistent with the characteristics of SSH research and its audience. Furthermore, since this definition is not consistent with the nature of SSH research, researchers do not receive the necessary incentives and support for this purpose and are not able to integrate knowledge mobilization activities with their current academic activities and responsibilities. These findings emphasize the role of universities in facilitating the impact creation process by employing appropriate definitions and structures for knowledge mobilization.

Keywords: Research impact, Knowledge mobilization, Social sciences and Humanities, Research users.

چالش‌های اثربخشی تحقیقات در علوم انسانی و اجتماعی در ایران: تحلیلی داده بنیاد^۱

حمید گلحسینی

دانشجوی دکتری مطالعات در آموزش، دانشگاه مک‌گیل، مونترال، کانادا (نویسنده مسئول). hamid.golhasany@mail.mcgill.ca

طاهره حسینی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. t_hosseini@urmia.ac.ir

محمد حسن‌زاده

استاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. hasanzadeh@modares.ac.ir

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی چالش‌های دستیابی تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی به اثربخشی در کشور است. به همین منظور، چالش‌ها نه تنها از دیدگاه افراد دخیل در حوزه پژوهش، بلکه از دیدگاه کاربران بالقوه نتایج تحقیقات مورد بررسی قرار گرفتند.

روش‌شناسی: این پژوهش کیفی و دارای رویکردی تفسیرگرایانه است. مشارکت‌کنندگان شامل محققان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، مدیران حوزه پژوهش و نمایندگان سازمان‌هایی بودند که نقش اصلی را در تولید علم و یا به‌کارگیری نتایج تحقیقات به عهده داشتند. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر مبنای نمونه‌گیری زنجیره‌ای بود و مصاحبه‌ها با ۱۶ مشارکت‌کننده انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری گردید. تحلیل داده‌ها نیز از طریق روش داده‌بنیاد انجام و سپس نظریه‌نمایی پژوهش ارائه شد.

نتایج: با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۵۹ کد از محتوای مصاحبه‌ها استخراج گردید و در ادامه فرآیند تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری محوری، دسته‌ها در قالب هشت مفهوم انتزاعی‌تر طبقه‌بندی شدند. در نهایت، این مفاهیم در شش دسته مقوله هسته، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها دسته‌بندی گردیدند.

نتیجه‌گیری: مدل ارائه شده در این پژوهش مشخص می‌کند که مانع بنیادین در دستیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی به اثربخشی در جامعه، عدم به‌کارگیری تعریفی مناسب از انتقال دانش برای نتایج علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد. تعاریف و ساختارهای انتقال دانش در حال حاضر در دانشگاه‌ها با ویژگی‌های نتایج تحقیقات در این حوزه‌ها هماهنگ نبوده و همچنین مشوق‌ها و حمایت‌های معناداری را ارائه نمی‌دهند.

کلیدواژه‌ها: اثربخشی تحقیقات، انتقال دانش، تحقیقات علوم انسانی و علوم اجتماعی، کاربران بالقوه.

۱. مقدمه

توجه به سهمی که مراکز پژوهشی و تحقیقاتی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع در قبال دریافت سرمایه‌گذاری و استفاده از بودجه‌های عمومی دارند، به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است (ویلیامز^۱ و گرت، ۲۰۱۸؛ بندولا-جیل^۲، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، در دنیای امروز، تنها تولید آثار علمی متعدد برای محققان و مراکز پژوهشی کافی نیست و پژوهش‌های آنها باید اثربخشی واقعی بر روی زندگی عامه مردم داشته باشند. چنین نگرشی با تغییر فزاینده دستور کار بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر جهان در حال شکل گرفتن است که قصد ترغیب هرچه بیشتر محققان به تولید تحقیقاتی با پیامدهای واقعی در زندگی مردم و جامعه دارند (گراهام^۳، مک‌کاجن و کوداری، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، با رقابتی‌تر شدن دریافت حمایت‌های مالی برای انجام پژوهش‌ها، دانشگاه‌ها فشار بیشتری را برای پاسخگویی در قبال تحقیقاتی که از بودجه‌های عمومی استفاده می‌کنند، احساس می‌نمایند (ماهونی و^۴ وینر، ۲۰۱۹؛ پتی گر^۵، ۲۰۱۱).

به‌طور کلی، چنین تغییراتی را در اهداف بیان شده دانشگاه‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد، به این ترتیب که وظایف و دستور کار آن‌ها از تربیت نیروی انسانی و یا به بیان دیگر «آموزش محوری» فراتر رفته (تغییری که از آن به‌عنوان «انقلاب اول» نام برده می‌شود) و در مرحله بعد نقش‌های پژوهشی آن‌ها مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. سپس به‌طور مشخص انقلاب علمی دوم بعد از جنگ جهانی دوم پدیدار شد که شاخصه اصلی آن هدف‌گذاری تربیت نیروی انسانی کارآفرین و ارتباط نزدیک‌تر با صنعت و جامعه است (اتزکویتز^۶، ۲۰۰۴). یکی از دلایل این تغییر را می‌توان کاهش بودجه‌های تحقیقاتی دانست که در پی تنش‌ها و رویارویی‌های متفاوت بین کشورها و اختصاص منابع مالی به سایر حوزه‌ها به وجود می‌آمد. با شکل گرفتن چنین تغییراتی در سیاست‌های دولتی در اختصاص بودجه‌های تحقیقاتی، نگرش به پژوهش به عنوان فعالیتی که صرفاً دانشی جدید را به دست می‌آورد، تغییر یافت و انتظارات تازه‌ای برای بازگشت سرمایه‌گذاری و فراتر از آن، تولید ثروت

1. Williams
2. Bandola-Gill
3. Graham
4. Mahony
5. Pettigrew
6. Etzkowitz

ایجاد شد (بالدینی،^۱ گریمالدی و سبررو، ۲۰۰۶). در ابعاد فراتر از دانشگاه‌ها نیز این تغییرات خود را در شکل فاصله گرفتن از اقتصاد مبتنی بر تولید انبوه نشان می‌دهند، که در آن هدف نهایی، دستیابی به اقتصادی دانش بنیان است که دانش را پایه بنیادی تولید ثروت برمی‌شمرد (اتزکوتیز، ۲۰۰۴).

در کشور ما نیز اهدافی همسو با این رویکرد در سند نقشه جامع علمی کشور که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تدوین قرار گرفته و توسط ریاست جمهوری ابلاغ گردیده، مورد تأکید قرار گرفته است (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹). به شکل مشخص‌تر، این انعکاس را در راهبردهای کلان دوم و سوم سند می‌توان مشاهده نمود. راهبرد دوم در ارتباط با اثربخشی تحقیقات در سطح جامعه و صنعت ناظر به «توجه به علم و تبدیل آن به یکی از گفتمان‌های اصلی جامعه و ایجاد فضای مساعد، شکوفا و مولد علم و فناوری بر مبنای آموزه‌های اسلامی از طریق توسعه و تعمیق و به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است». در ارتباط با همین راهبرد کلی، سند راهبردهایی مانند «استفاده از یافته‌های تحقیقاتی و علمی در زندگی روزمره به صورت عاملی برای توسعه اجتماعی و بهبود زندگی و همچنین ارتقای سطح مشارکت دانشمندان و نقش‌آفرینان در عرصه علم و فناوری در ایفای رسالت‌های اجتماعی» را لازم می‌شمرد. علاوه بر این، نقش مؤثرتر تحقیقات پژوهشی در توسعه اقتصادی در راهبرد کلان سوم با راهبردهای ملی یک و سه مبنی بر «ترویج فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و فرهنگ کارآفرینی و همچنین تسهیل و کارآمدسازی فرایند عرضه و تقاضا و انتقال و انتشار علم و فناوری» مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

با شکل گرفتن چنین تغییراتی در مأموریت‌ها و اهداف سازمان‌های سیاست‌گذار در حوزه‌های تحقیقاتی، لزوم ایجاد تغییراتی برای افزایش اثربخشی تحقیقات در درون دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی نیز آشکار گردید (کین،^۲ شور، وستون و ساندروز، ۲۰۱۸). به‌طور خاص، اگرچه نمونه‌های معدودی از پژوهش‌ها وجود دارند که نتایج آن‌ها تنها با انتشار در قالب‌های علمی نظیر مقالات به مرحله اثربخشی رسیده‌اند، اما مسیر دستیابی پژوهش‌ها به اثربخشی در جامعه، فرهنگ و اقتصاد اغلب بسیار طولانی و غیرقابل پیش‌بینی است (گراهام،^۳ گریمشاو، ترو و رابینسون، ۲۰۰۵) که به‌طور قابل توجهی بازگشت منافع از این تحقیقات را به جامعه محدود می‌نماید.

در پژوهش حاضر، برای بررسی چالش‌های دستیابی به اثربخشی از تعریف شورای تأمین مالی آموزش عالی انگلستان استفاده می‌شود. بنا به تعریف مذکور، اثربخشی تحقیقات شامل «هر تأثیر، تغییر، سودی که در پی یک تحقیق بر اقتصاد، جامعه، فرهنگ، سیاست‌گذاری، خدمات، بهداشت، محیط زیست و یا کیفیت زندگی مردم فراتر از محیط علمی» می‌گردد (UKRI، 2014). به بیان دیگر، اگرچه بحث اثرگذاری علمی تحقیقات به میزان اعتبار نشریات چاپ‌کننده مقالات و همچنین میزان استناد به آن‌ها در پژوهش‌های بعدی در آن حوزه محدود می‌شود، ولی مفهوم اثربخشی به اثرات و تغییراتی اشاره دارد که در پی فعالیت‌های پژوهشی در جامعه ایجاد می‌گردد. در کشور ما واژه اثربخشی در توصیف تأثیرات خارجی تحقیقات توسط محققانی نظیر مبشر و همکاران (۱۳۸۵)، فتاحی (۱۳۹۳)، صدیقی (۱۳۹۶)، خسروی، پورنقی و رسولی (۱۳۹۷) و احسانی (۱۳۹۵ الف؛ ۱۳۹۵ ب) مورد استفاده قرار گرفته است.

در همین راستا، بررسی پژوهش‌های محققان داخلی در خصوص وضعیت اثربخشی تحقیقات دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی بیانگر این نکته است که اغلب دانشگاه‌های کشور در انجام فعالیت‌های خود بدون توجه مناسب به دستیابی تحقیقاتشان، بر روی اثربخشی متمرکز هستند (معصومی همدانی، ۱۳۸۲؛ فتاحی، ۱۳۹۳؛ پورکومله، قبادی و خزایی، ۱۳۹۱؛ بهزادی، رضوی و حسینی، ۱۳۹۳؛ گلشنی، ۱۳۹۳). برای نمونه، نجفی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی رابطه میان تعداد مقالات تألیفی و تولید ناخالص ملی نشان دادند که به ازای هر یک درصد رشد تألیفات علمی، به طور متوسط در دنیا هفت درصد، در ترکیه یک درصد و در ایران تنها سه درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۹۵ الف) مشخص نمود که علی‌رغم اینکه در ۳۱ سال گذشته، رتبه ایران از لحاظ تعداد انتشار مقالات علمی ۷۰ پله ارتقاء یافته است، اما به این دلیل که شاخص‌های توسعه‌ای ایران تغییری نیافته‌اند، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تحقیقات نیز از اثربخشی لازم بی‌بهره بوده‌اند.

احسانی و همکاران (۱۳۹۵ ب) همچنین در جستجو برای کشف ریشه‌ای‌ترین علل عدم توجه به اثربخشی پژوهش‌های کشور معتقدند، ویژگی‌هایی نظیر تقدیرگرایی، به چالش کشیدن رابطه علیت، ضد ارزش بودن تصرف در عالم و ماورایی بودن «اثرپذیر، اثرگذار و ماهیت آثار» در مدل‌های ذهنی رایج در ایران در تقابل با مدل‌های ذهنی رایج در غرب، علت اصلی محوری نبودن این مفهوم در ارتباط با تحقیقات کشور است.

بدون تردید جنبه‌ای دیگر از عوامل نیز در دستیابی به اثربخشی تحقیقات در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تأثیرگذار هستند. این عوامل مربوط به جامعه کاربری تحقیقات می‌باشند که به صورت بالقوه‌ای از نتایج تحقیقات در انجام فعالیت‌های خود می‌توانند بهره ببرند (تسی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). کاربران بالقوه، افراد یا سازمان‌های دارای قدرت تغییر در محیط هستند و امکان استفاده از نتایج و برون‌دادهای تحقیقات (بهره مفهومی یا ابزاری) را برای ایجاد اثربخشی دارند (شورای تحقیقات بهداشت نیوزلند^۲، ۲۰۲۰). استفاده ابزاری شامل استفاده از نتایج تحقیقات برای مقاصد مشخص مانند حل مشکلات و یا ساخت محصولات می‌باشد، در حالی که استفاده مفهومی در خدمت ترویج تفکر عمومی و روشنگری است (آمارا^۳، اومت، و لندری، ۲۰۰۴). در واقع نباید کاربران بالقوه را دریافت‌کنندگان منفعلی در فرآیند دریافت و به‌کارگیری دانش در نظر گرفت، زیرا آن‌ها اغلب از دیدگاه فکری و شرایط خودشان با نتایج پژوهش درگیر می‌شوند. علاوه بر این، انتقال دانش تحقیقات نیز تا حد زیادی به روابط و تعامل این گروه با محققان وابسته است (مورتون^۴، ۲۰۱۵). اما بررسی تحقیقات انجام شده مرتبط با حوزه اثربخشی تحقیقات در کشور، مشخص می‌کند که این جنبه از عوامل در مطالعات گذشته با وجود برخورداری از اهمیتی زیاد، مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر تلاش دارد تا نه تنها مشکلات و موانع دستیابی تحقیقات به اثربخشی را از نگاه پژوهشگران بررسی کند، بلکه این مشکلات را از زاویه دید کاربران بالقوه نتایج تحقیقات نیز مورد واکاوی قرار دهد.

۲. سوالات پژوهش

- نگرش محققان و افراد مرتبط با انجام پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در ارتباط با اثربخشی تحقیقات به چه صورت می‌باشد؟
- عوامل بازدارنده و تسهیل‌کننده اثربخشی نتایج تحقیقات از نظر محققان و افراد مرتبط با پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟
- کاربران بالقوه نتایج تحقیقات چه نگرشی درباره بهره بردن از نتایج تحقیقات حوزه‌های علوم

1. Tsey
2. Health Research Council of New Zealand
3. Amara
4. Morton

انسانی و اجتماعی دارند؟

- عوامل بازدارنده و تسهیل کننده اثربخشی نتایج تحقیقات از نظر کاربران بالقوه پژوهش ها در حوزه های علوم انسانی و اجتماعی کدامند؟

۳. روش شناسی

به منظور پاسخگویی به سؤال های تحقیق، رویکرد روش شناختی کیفی مدنظر قرار گرفت. همچنین با استفاده از راهبرد پژوهشی داده بنیاد،^۱ تحقیق حاضر سعی دارد تا عوامل بازدارنده و تسهیل کننده اثربخشی نتایج تحقیقات را هم از نگاه جامعه محققان و هم از دیدگاه جامعه کاربران بالقوه نتایج تحقیقات بررسی نماید و نظریه یا گزاره هایی را مطرح کند.

بدین منظور، ۱۶ مشارکت کننده، شامل ۱۱ نفر پژوهشگر (هفت نفر از استادان هیات علمی دانشگاه های دولتی در تهران و چهار نفر از مدیران حوزه پژوهش) و پنج نفر نماینده سازمان (شاغل در چند سازمان دولتی) در پژوهش حاضر مصاحبه شدند. انتخاب مشارکت کنندگان به صورت هدفمند و از طریق نمونه گیری زنجیره ای^۲ انجام شد (پاتن^۳، ۲۰۰۲؛ یین^۴، ۲۰۱۵). در تحقیقات کیفی به طور معمول مشارکت کنندگان به صورت آگاهانه ای انتخاب می شوند که از آن به عنوان «نمونه گیری هدفمند»^۵ نام برده می شود. دلیل داشتن این رویکرد، به دست آوردن داده هایی است که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشته و غنی ترین اطلاعات را درباره آن ارائه دهند (یین^۶، ۲۰۱۵).

با توجه به جدید بودن سیاست اثربخشی در حوزه های دانشگاهی بسیاری از کشورها، در این پژوهش اصلی ترین دلیل برای استفاده از روش نمونه گیری زنجیره ای، نداشتن آگاهی در مورد افراد یا محققانی بود که پیرامون مفهوم اثربخشی، خصوصاً در حوزه علوم انسانی و اجتماعی تخصص و تجربه کافی داشته باشند. علاوه بر دسترسی، عامل دیگر در انتخاب این روش، نگاه انتقادی این پژوهش بود که بر تمایل مشارکت کنندگان برای انجام مصاحبه تأثیر می گذاشت (برنارد^۷، ۲۰۰۲).

1. Grounded Theory
2. Chain\ Snowball sampling
3. Patton
4. Yin
5. Purposive Sampling
6. Yin
7. Bernard

به همین منظور، برای اطمینان از جمع‌آوری داده‌های غنی، ملاک‌هایی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش در نظر گرفته شد. مشارکت‌کنندگان در حوزه دانشگاهی باید در ۵ سال گذشته مشغول انجام تحقیقات یا فعالیت در حوزه پژوهش دانشگاه بوده باشند. دلیل در نظر گرفتن این مدت را می‌توان در ضرورت آشنایی کامل با مراحل انجام تحقیقات و ارائه نتایج و یافته‌ها به مخاطبان و همچنین طولانی بودن بالقوه فرایند تحقیقات در نظر گرفت. در حوزه کاربران بالقوه نتایج تحقیقات نیز، مشارکت‌کنندگان باید در اولین گام، حداقل پنج سال در سازمان یا موسسه مربوطه مشغول فعالیت بوده باشند تا بتوان آن‌ها را به صورت بالقوه از مأموریت‌ها و اولویت‌های کاری و سازمانی خود آگاه دانست. ویژگی لازم دیگر قرار داشتن در سطوح مدیریتی یا معاونت سازمان مربوطه بود تا داده‌ها از مشارکت‌کننده‌هایی جمع‌آوری بشود که دارای مسئولیت در استفاده از نتایج علمی در اولویت‌گذاری، سیاست‌گذاری و نظارت بر عملکرد سازمان‌های مربوطه می‌بودند. ابتدا برای مشارکت‌کنندگان دعوت‌نامه و فرم رضایت‌نامه‌ای فرستاده شد تا از اهداف پژوهش، نحوه جمع‌آوری داده‌ها و عواقب احتمالی در پی مشارکت در آن آگاهی یافته و به صورت آگاهانه بتوانند درباره مشارکت در پژوهش حاضر تصمیم بگیرند. همه مصاحبه‌ها در دفاتر مشارکت‌کنندگان (در محل دانشگاه‌ها یا سازمان‌های مربوطه) انجام گرفت و شامل یک ساعت مصاحبه نیمه ساختاریافته با پژوهشگر اصلی می‌شدند.

هچ^۱ (۲۰۰۲) انواع مصاحبه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: غیررسمی، رسمی و استاندارد شده. در پژوهش حاضر از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ که نوعی از مصاحبه رسمی محسوب می‌شود، برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. ساختار این نوع مصاحبه این امکان را فراهم می‌آورد تا مصاحبه شونده آزادانه بتواند نکات مورد نظر را پیرامون موضوع پژوهش بیان نماید و از سوی دیگر مصاحبه‌کننده بتواند مسائلی که در خلال جریان مصاحبه مطرح می‌شوند را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. در مطالعه حاضر مصاحبه‌ها با سؤال پیرامون الف) وضعیت حال حاضر اثربخشی تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی در کشور، ب) چالش‌های دستیابی به این هدف و پ) الزامات دستیابی به آن آغاز می‌شد و براساس نکات مطرح شده در همان مصاحبه و همچنین مصاحبه‌های قبل ادامه می‌یافت (مورس^۳ و فیلد، ۱۹۹۵).

<http://stim.gom.ac.ir>

1. Hatch
2. Semi-structured
3. Morse

با توجه به جنبه‌های عملی برنامه‌ریزی و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، محققان به جمع‌آوری داده‌ها تا اشباع نظری آنها ادامه دادند که در آن مصاحبه‌ها قادر به ارائه اطلاعات جدید نبودند (باون^۱، ۲۰۰۸). در واقع اشباع نظری نقطه‌ای است که در آن مصاحبه‌ها دیگر مفهوم و دسته جدیدی را ایجاد نمی‌کنند و دسته‌بندی‌های موجود نیز مورد چالش قرار نمی‌گیرند (استراوس و کرین، ۱۹۹۸).

در مرحله ابتدایی از فرآیند تحلیل داده‌ها (جدول شماره یک)، محقق از طریق «کدگذاری باز»^۲ کدهای اصلی را که از درون داده‌ها نمایان می‌شدند، با استفاده از کدهای زنده^۳ مشخص نمود (الیوت^۴ و جردن، ۲۰۱۰). این فرآیند سعی داشت تا با شناسایی، مقایسه و تمایز کدها و مفاهیم، موارد پیچیده‌تر و جامع‌تری را ارائه دهد. در این مرحله با شناسایی الگوهایی در درون یافته‌ها، دسته‌های اولیه شکل می‌گرفتند. همچنین در این مرحله از تحلیل داده‌ها، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌های جدید، محققان با درگیر بودن در فرآیند هم‌سنجی پیوسته^۵، به میزان دریافت اطلاعات جدید در دسته‌ها و بنابراین به اشباع رسیدن آن‌ها توجه داشتند. یک دسته، نشانگری از واحدهای اطلاعات درباره حوادث، پیشامدها و مصداق‌ها می‌باشد (استراوس^۶ و کرین، ۱۹۹۸). در مرحله «کدگذاری محوری»^۷، محققان به دنبال بررسی روابط میان دسته‌ها بودند. به علاوه، این مرحله شناسایی «مقوله هسته یا پدیده محوری»^۸ را در پی داشت تا بتوان دسته‌های دیگر را پیرامون آن جای داد. به‌طور معمول پدیده محوری، دسته‌ای در میان داده‌های جمع‌آوری شده است که به صورت وسیعی در خلال مصاحبه‌ها از آن نام برده شده یا از جنبه نظری، در شکل مفهومی مرکزی و بنیادی پدیدار می‌شود (کرسول^۹، ۲۰۰۷). استراوس و کرین (۱۹۹۸) انواع دسته‌هایی که پیرامون پدیده محوری می‌توانند جای بگیرند را شامل: شرایط علی (عواملی که موجب پدیدار

1. Bowen
2. Open Coding
3. In-vivo
4. Elliott
5. Constant Comparison
6. Strauss
7. Axial Coding
8. Core Phenomenon
9. Creswell

شدن پدیده محوری می‌شوند)، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر (عوامل محیطی اصلی و فرعی که انتخاب استراتژی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، راهبردها (اقداماتی که در واکنش به پدیده محوری صورت می‌گیرند) و همچنین پیامدها (نتایج استفاده از استراتژی‌ها) برمی‌شمرند.

مرحله آخر از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، «کدگذاری انتخابی»^۱ نام دارد که محقق با در نظر گرفتن مدل شکل گرفته، گزاره‌ها یا فرضیه‌هایی را ارائه می‌کند که توصیفگر ارتباط دسته‌های درون مدل باشند. کرسول (۲۰۰۷) بیان می‌دارد که این فرضیه‌ها می‌توانند در قالب روایی (استراوس و کرین، ۱۹۹۸)، تصویر بصری (مورو^۲ و اسمیت، ۱۹۹۵) و یا در قالب یک رشته از فرضیه‌ها یا گزاره‌ها (کرسول^۳ و براون، ۱۹۹۲) ارائه شوند.

پس از پایان پژوهش، محققان با درخواست از مشارکت‌کنندگان برای نظردهی درباره نحوه جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل انجام شده و جمع‌بندی‌های صورت گرفته، تلاش کردند تا اعتبار یافته‌های پژوهش را مورد بررسی و تصدیق دوباره قرار دهند. فرایند «بررسی مشارکت‌کننده»^۴ ارائه شده توسط لینکلن^۵ و گوبا (۱۹۸۵) هم به عنوان یکی از نتایج و اهداف انجام مصاحبه‌ها (هچ، ۲۰۰۲) و همچنین به عنوان روشی برای سنجش اعتبار پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

جدول ۱- فرایند تحلیل داده‌ها

کدها	مفاهیم	دسته	پدیده محوری
۱) ماهیت متفاوت انتقال دانش در علوم انسانی و اجتماعی	عدم به‌کارگیری		عدم به‌کارگیری
۲) فرض ضمنی در انتقال دانش	تعریف مناسبی از	مقوله	تعریف مناسبی از
۳) دیدگاه بازگشت سرمایه‌گذاری	انتقال دانش برای	هسته	انتقال دانش برای
۴) عدم وجود نشانگرهای انتقال دانش در علوم انسانی و اجتماعی	علوم انسانی و اجتماعی		علوم انسانی و اجتماعی
۵) عدم حمایت متناسب از انتقال دانش در علوم انسانی و اجتماعی			

<http://stlm.gom.ac.ir>

1. Selective Coding
2. Morrow
3. Creswell
4. Member Checking
5. Lincoln

کدها	مفاهیم	دسته	پدیده محوری
۶) متفاوت بودن ماهیت برون داد تحقیقات			
۷) کارکرد تولید محتوا و ترویج تفکر انتقادی			
۸) نقش پررنگ تر دانش ضمنی			
۹) داشتن ماهیت نظری			
۱۰) عدم تضاد با رسالت های دانشگاهی			
۱۱) اثربخشی لازمه پویایی و حرکت به جلو			
۱۲) ساختار انتقال دانش متفاوت برای اثربخشی			
۱۳) گستره مخاطبان بسیار گسترده تر			
۱۴) مسیرهای ارتباط با مخاطبان گسترده تر			
۱۵) انتقال دانش غیر رسمی تر			
۱۶) شناخته نشدن فعالیت های انتقال دانش به عنوان مسئولیت های رسمی دانشگاهی			
۱۷) نگاه اختصاصی به ساعات تدریس و تعداد مقالات			
۱۸) عدم برخورداری از مشوق ها و امتیازات حتی در صورت ایجاد اثربخشی			
۱۹) اصلاح نگرش نسبت به گستره فعالیت های دانشگاهی			
۲۰) توجه به اثربخشی در ابتدا و هنگام طرح ریزی تحقیقات			
۲۱) درصد افزایشی برای بودجه های تحقیقاتی			
۲۲) نبود مکانیزیم و روشی مؤثر برای اطلاع از تحقیقات و تخصص مرتبط			
۲۳) اولین مانع عدم اطلاع از وجود پژوهش های مرتبط			
۲۴) نحوه انتشار و قالب ارائه نتایج تحقیقات			
۲۵) نیازمند صرف وقت زیاد			
۲۶) استفاد زیاد از واژگان و مطالب تخصصی			
۲۷) گستره محدود یافته های پژوهشی			
۲۸) پتانسیل پژوهش های بین رشته ای			
۲۸) عدم وجود ارتباط مؤثر بین گروه های پژوهشی و حوزه های اجرایی			
۳۰) ارتباط «غیر لحظه ای»			
۳۱) آگاهی از اولویت ها، نیازها و مشکلات طرفین			
۳۲) وجود دو دنیای متفاوت			
۳۳) شکل دادن اعتماد مناسبی از یکدیگر			
	الف) متفاوت بودن ماهیت دستاوردهای فکری محققان	شرایط علی	
	ب) مسیر و مخاطبان متفاوت اثربخشی		
	الف) شناخته نشدن فعالیت های انتقال دانش و اثربخشی به عنوان فعالیت های دانشگاهی		
	ب) فاصله نتایج تحقیقات با نیازهای کاربران بالقوه	شرایط زمینه ای	
	پ) نبود ارتباط و همکاری روشمند بین جامعه های پژوهشی و اجرایی		

کدها	مفاهیم	دسته	پدیده محوری
۳۴ الزامات دیگر برای موفقیت در اثربخشی			
۳۵ ارائه در قالبی خاص			
۳۶ ارتباط و دسترسی به کاربران احتمالی	الف) انتقال دانش و		
۳۷ زمان و منابع قابل توجهی برای مستندسازی	ایجاد اثربخشی از		
۳۸ طلب اعتبار حرفه‌ای	نتایج تحقیقات،		
۳۹ تعریف مسئولیت‌ها و تربیت متخصصان	امری تخصصی و		
۴۰ زمان بر بودن ایجاد اثربخشی	وقت‌گیر است		
۴۱ لزوم منابع برای جمع‌آوری شواهد	شرایط		
۴۲ فراتر بودن از توانایی عمده محققان	مداخله‌گر		
۴۳ اختیارات و اعتبار سازمانی مورد نیاز			
۴۴ احساس مسئولیت برای به‌کار گرفتن شواهد علمی			
۴۵ فرصت‌های اندک برای ارائه نظرات تخصصی	ب) عدم الزام برای		
۴۶ وابستگی به نگرش فرد مسئول در حوزه اجرایی	به‌کار بردن دانش		
۴۷ امکان محدود برای استفاده بیشتر از نتایج تحقیقات	تخصصی		
۴۸ عوامل دخیل دیگر در عمل			
۴۹ درخواست‌های ضمنی برای تولید تکنولوژی			
۵۰ تحت مدیریت مدیرانی با پیش زمینه حوزه‌های فنی و مهندسی	راهبردها		
۵۱ گسترش هرچه بیشتر تحقیقات بین‌رشته‌ای			
۵۲ عدم وجود روندی فعال برای محدودسازی			
۵۳ «محققان برج عاج‌نشین»			
۵۴ دارا بودن نکته تلویحی عدم منفعت‌رسانی			
۵۵ اولویت‌گذاری حوزه‌های پژوهشی			
۵۶ اهمیت روزافزون تجاری‌سازی تکنولوژی و تأسیس شرکت‌های دانش بنیان	پیامدها		
۵۷ اختصاص منابع پژوهشی			
۵۸ محدود شدن فعالیت‌های انتقال دانش به تأسیس دفاتر انتقال تکنولوژی			
۵۹ فعالیت‌های «اختراع محور»			

۴. یافته‌ها

با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش، در مرحله ابتدایی (کدگذاری باز) تعداد ۵۹ مفهوم از محتوای رونویسی شده مصاحبه‌ها استخراج گردید. در ادامه فرآیند تحلیل داده‌ها، همراه

با طبقه‌بندی، مقایسه و سنجش دسته‌های آشکار شده که با هدف اطمینان از دستیابی به اشباع نظری انجام می‌گرفت (کدگذاری محوری)، کدها در قالب هشت مفهوم انتزاعی‌تر طبقه‌بندی شدند. کدها در دسته‌های راهبردها و پیامدها به حد کافی گسترش نیافتند تا در قالب مفهوم مستقل درآیند. بعد از دسته‌بندی مفاهیم (جدول شماره یک)، در میان دسته‌های استخراج شده، دسته «عدم به کارگیری تعریف مناسبی از انتقال دانش برای علوم انسانی و اجتماعی» به عنوان پدیده محوری انتخاب گردید، زیرا الف) از سوی هر دو گروه مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها اشاره شده بود، ب) جامعیت بیشتری در مقابل دیگر دسته‌ها داشت و با سهولت بیشتری امکان مرتبط نمودن آن با دیگر دسته‌ها وجود داشت، پ) شفافیت بیشتری را برای توضیح ارتباط آن با یک نظریه کلی‌تر دارا بود و ت) حداکثر امکان را برای وجود تنوع در ابعاد، ویژگی‌ها، شرایط، پیامدها و راهبردها به وجود می‌آورد (استراوس^۱، ۱۹۸۷). شکل شماره ۱، مدل مفهومی بدست آمده را نشان می‌دهد.

۴-۱. پدیده محوری

۴-۱-۱. عدم به کارگیری تعریف مناسبی از انتقال دانش برای علوم انسانی و اجتماعی

مفهومی که در جریان مصاحبه‌ها، مشارکت‌کنندگان به‌طور متناوب به آن اشاره می‌نمودند، مرتبط به مسیر دستیابی به اثربخشی به وسیله محققان و جامعه کاربری بود. در بحث اصلی در مورد این دسته، این موضوع بیان شد که ماهیت انتقال دانش در علوم انسانی و اجتماعی با انتقال دانش در حوزه‌های فنی و مهندسی متفاوت است. اما در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هم پیش‌بینی‌های لازم به منظور هدایت نتایج تحقیقات به سوی اثربخشی و هم نشانگرهای موجود از دستیابی به این هدف منطبق با ویژگی‌های نتایج تحقیقات رشته‌های فنی و مهندسی می‌باشد. برای مثال در اکثر مواقع، ارزیابی میزان اثربخشی نتایج تحقیقات، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های حوزه‌های علمی و تنها با ارزیابی میزان ارتباط محققان با صنعت و یا همان تعداد قراردادهای تحقیقاتی رسمی، تأسیس شرکت‌های مشترک و یا فروش حق استفاده از اختراعات انجام می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان، فرض ضمنی در انتقال دانش، این‌گونه است که انتقال نتایج تحقیقات به توسعه و کاربردی کردن بیشتر آن‌ها می‌انجامد و سپس ثبت قراردادهای تجاری را به دنبال دارد. در چنین محیطی، تجاری‌سازی تکنولوژی، تبدیل به مرکز ثقل تلاش‌ها برای کاربردی نمودن

تحقیقات دانشگاه‌ها در جامعه، سیاست‌گذاری و بهبود عملکردها می‌گردد. از طرفی نیز براساس این فرض، «سنجش اثربخشی تحقیقات، تبدیل به سنجش بازگشت سرمایه‌گذاری انجام شده در دانشگاه‌ها می‌گردد»^۱.

یکی از مشارکت‌کنندگان با بیان تجربه خود، مثال روشنی از این وضعیت را ارائه نمود. او از سوی دانشگاهی مأمور به سازمانی دولتی برای طراحی مدل و چارچوبی برای ارزشیابی عملکرد کارکنان شده بود. در حالی‌که در طراحی این سیستم، به‌طور مستقیم از نتایج و مدل‌سازی‌های تحقیقات ایشان بهره‌برده شده بود، ولی در دانشگاه محل خدمت او نشانگرهایی وجود نداشت تا این انتقال دانش و اثربخشی تحقیقات او را مستند نموده و در بررسی‌های عملکرد آن محقق یا گروه پژوهشی منعکس نماید. علاوه بر این، به علت تفاوت تعریف انتقال دانش، او امکان استفاده از مشوق‌ها و ساختارهای حمایتی متناسب را نداشت.

۴-۲. شرایط علی

دو عامل اصلی که نقش اساسی در پیدایش پدیده محوری یعنی «عدم به کارگیری تعریف مناسبی از انتقال دانش برای علوم انسانی و اجتماعی» را دارا بودند، از داده‌های پژوهش استخراج شد. این شرایط علی شامل الف) متفاوت بودن ماهیت دستاوردهای فکری محققان در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و ب) وجود مسیر و مخاطبان متفاوت دستیابی به اثربخشی در حوزه‌های مذکور می‌باشد.

الف) متفاوت بودن ماهیت دستاوردهای فکری محققان

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند علت اصلی دشواری در دستیابی به اثربخشی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با تحقیقات در رشته‌های فنی و مهندسی را می‌توان متفاوت بودن ماهیت برون‌داد تحقیقات آن‌ها دانست. در حالی‌که در بیشتر تحقیقات در رشته‌های فنی و مهندسی، با هدف توسعه تکنولوژی‌های فنی و آزمایشگاهی انجام می‌گیرند، دستاوردهای پژوهشی محققان در رشته‌های علوم انسانی بیشتر در خدمت تولید محتوا و ترویج تفکر جمعی و انفرادی و انتقادی جامعه می‌باشد. علاوه بر این، جنبه دیگری از این تفاوت را باید نقش پررنگ‌تر دانش ضمنی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی برشمرد که به دلیل ماهیت نظری در مقابل

۱. مشارکت‌کننده از گروه محققان

ماهیت عینی (در رشته‌های فنی و مهندسی) به عنوان جنبه‌ای چالش برانگیز نیز می‌تواند نمود یابد. این استدلال که دانش ضمنی نقش مهم‌تری در ایجاد اثربخشی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی دارد، با یافته‌های پژوهش ابرو^۱ و گرنویچ (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. براساس یافته‌های آنان، موفقیت در اثربخشی، با تعداد سال‌هایی که پژوهشگران در حوزه مربوطه به فعالیت می‌پردازند، ارتباط مستقیم دارد، زیرا محققان با تجربه‌تر، دارای دانش ضمنی برتری در مقایسه با محققان جوان‌تر می‌باشند. علاوه بر این، بازمَن^۲ (۲۰۰۰) در مقاله خود پیرامون بحث انتقال دانش از حوزه‌های پژوهشی علوم انسانی و اجتماعی به حوزه‌های کاربری و اجرایی، یکی از جنبه‌های اساسی دانش مورد انتقال را، دانش ضمنی پژوهشگران معرفی می‌نماید که در کنار دانش ثبت شده و مستند (مانند مقالات یا کتب انتشار یافته) آن‌ها قرار دارد.

اما در این میان، نکته قابل توجه که در پژوهش حاضر نمود یافته است، این موضوع می‌باشد که در همخوانی با یافته‌های الموس پَنولاً^۳ و همکاران (۲۰۱۴)، مشارکت‌کنندگان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تلاش برای ایجاد اثربخشی از تحقیقات را در تضاد با رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاهی و حرفه‌ای خود نمی‌پنداشتند. اگرچه ماهیت مفاهیم اثربخشی و تجاری‌سازی متفاوت است، این موضوع در تضاد با یافته‌های پژوهش محمودپور و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد که بدانگاری تجاری‌سازی از سوی محققان را به عنوان یکی از عمده‌ترین موانع تجاری‌سازی نتایج تحقیقات برمی‌شمرد. به‌طور مشخص، به بیان مشارکت‌کنندگان، گروه عمده‌ای از محققان علوم انسانی و اجتماعی، ایجاد اثربخشی از تحقیقات و مشارکت با کاربران بالقوه را به خصوص در زمان بهره‌بردن از بودجه‌های عمومی، لازم و مفید می‌دانند. همچنین این محققان اثربخشی و مشارکت با حوزه‌های غیردانشگاهی را لازمه پویایی و حرکت به جلو در فعالیتهای خود ارزیابی می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت «که اگر عمده محققان این حوزه‌ها تمایلی برای ایجاد اثربخشی در جامعه نداشتند، در سمینارهای فرهنگی و اجتماعی، کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی حضور نمی‌یافتند».^۴ به نظر ایشان، «محققان علوم انسانی خواسته یا ناخواسته با جامعه

1. Abreu
2. Bozeman
3. Olmos Peñuela

ارتباط دارند و از آن در فعالیت‌های خود تأثیر مستقیم می‌گیرند»^۱.

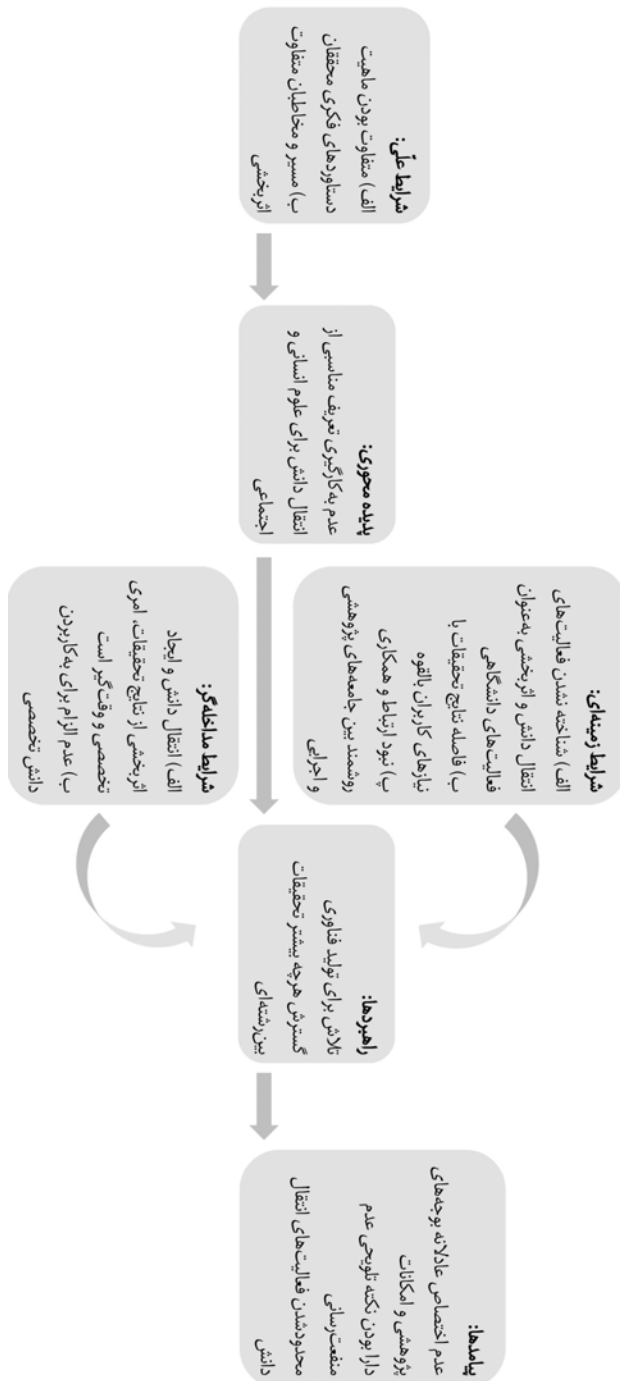
ب) مسیر و مخاطبان متفاوت اثربخشی

مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که با توجه به متفاوت بودن ماهیت اثربخشی تحقیقات در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، ساختار انتقال دانش متفاوتی نیز برای اثربخشی باید طراحی شود. در وهله اول، گستره مخاطبانی که محققان این حوزه‌ها با آن‌ها در ارتباط هستند، بسیار گسترده‌تر از مخاطبان تحقیقات در رشته‌های فنی و مهندسی و همچنین پزشکی می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «عمده مخاطبان تحقیقات در رشته‌های فنی مهندسی، برای اثربخشی و تجاری‌سازی شرکت‌های تجاری هستند. از این‌رو می‌توان گفت این مخاطبان خواسته همگونی را نیز برای توسعه و تجاری‌سازی دنبال می‌کنند»^۲. اما مشارکت‌کنندگان، مخاطبان پژوهش‌های حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی را شامل کاربران دولتی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی، سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسکو و سازمان تجارت جهانی، صنایع فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون، موزه‌ها و غیره، شرکت‌های خصوصی وابسته به بخش بانکی و گردشگری و همچنین سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد نظیر اتحادیه‌ها توصیف کردند.

از این‌رو، از نظر مشارکت‌کنندگان همان‌گونه که گروه‌های گوناگون‌تری مخاطب محققان علوم انسانی و اجتماعی هستند، مسیر ارتباط با مخاطبان و انتقال دستاوردهای پژوهشی محققان نیز در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار گسترده‌تر از رشته‌های فنی می‌باشد که از تدریس، نقش‌های مشاوره‌ای، ارائه در کنفرانس‌ها، تبادل محقق تا چاپ مقالات در روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار را می‌تواند شامل شود. علاوه بر این، به بیان یکی از مشارکت‌کنندگان، همکاری‌هایی که معمولاً در رشته‌های علوم انسانی اتفاق می‌افتند و در آن‌ها نوعی از انتقال دانش صورت می‌گیرد، بیشتر اشکال غیر رسمی‌تر را در بر می‌گیرند تا همکاری‌های علمی رسمی که در رشته‌های فنی و پزشکی رخ می‌دهند. اهمیت توجه به این جنبه از عوامل برای تسهیل دستیابی به اثربخشی در تحقیقات دیگر محققان نیز برجسته شده است (الموس پنونلا^۳ و همکاران، ۲۰۱۴).

۱. مشارکت‌کننده گروه محققان

۲. مشارکت‌کننده گروه محققان



شکل ۱- مدل مفهومی چالش‌های ایجاد اثر بخشی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

۴-۳. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مشخص یا الگویی از آن‌ها در ارتباط با یکدیگر، وضعیت یا مشکلاتی را شکل می‌دهند که در پاسخ به آن‌ها افراد از طریق راهبردهایی پاسخ می‌گویند (استرواس^۱ و کریبن، ۱۹۹۸، ص ۱۳۲). بر همین مبنا، در پژوهش حاضر مشخص گردید که:

- (الف) شناخته نشدن فعالیت‌های انتقال دانش و اثربخشی به عنوان فعالیت‌های دانشگاهی،
- (ب) نبود ارتباط و همکاری روشمند بین جامعه‌های پژوهشی و اجرایی،
- (پ) فاصله نتایج تحقیقات با نیازهای کاربران بالقوه، شرایط زمینه‌ای را تشکیل می‌دهند. مجموعه این عوامل در به‌کارگیری راهبردها از سوی ذی‌نفعان دخیل هستند.

الف) شناخته نشدن فعالیت‌های انتقال دانش و اثربخشی به عنوان فعالیت‌های دانشگاهی

جنبه دیگری از چالش‌هایی که محققان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در دستیابی به اثربخشی با آن مواجه هستند، شناخته نشدن فعالیت‌های انتقال دانش به عنوان فعالیت‌ها و مسئولیت‌های رسمی دانشگاهی می‌باشد. به باور مشارکت‌کنندگان، هرچند محققان به ایجاد اثربخشی از تحقیقات خود و در نتیجه ایجاد تغییرات ملموس در سطح زندگی عموم مردم علاقه‌مند هستند، ولی سیستم‌های مدیریتی، فعالیت‌های علمی محققان را تنها بر پایه ساعات تدریس در مراکز علمی و همچنین تعداد مقالات و درجه علمی نشریات چاپ‌کننده آن‌ها محاسبه می‌نماید. این وضعیت امکان لازم از محققان را سلب می‌کند تا بتوانند برای چنین اهدافی برنامه‌ریزی نمایند. از سوی دیگر، با ادامه این شرایط، در صورت ایجاد اثربخشی نیز محققان از مشوق‌ها و امتیازات مربوط به انجام فعالیت‌های دانشگاهی نمی‌توانند بهره ببرند. در وهله نخست، مدیریت آموزش عالی در کشور باید با اصلاح نگرش نسبت به گستره فعالیت‌های دانشگاهی، شرایط را برای شناسایی فعالیت‌های اثربخشی و در نتیجه محاسبه آن‌ها در امتیازات ارتقاء رتبه و اختصاص پژوهانه‌ها فراهم آورند. از نظر مشارکت‌کنندگان همچنین لازم است تا حوزه‌های مدیریت پژوهش در دانشگاه‌ها توجه بیشتری را برای اثربخشی در ابتدای طرح‌ریزی تحقیقات و نه در انتها داشته باشند. برای مثال، مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که باید درصد افزایشی برای بودجه‌های تحقیقاتی در نظر گرفت که برنامه‌ای مدون برای اثربخشی نتایج خود از ابتدای طرح دارند.

در هم‌خوانی با موارد مطرح شده، جاکوبسون^۱، باتریل و گورینگ (۲۰۰۴) در توصیف عوامل سازمانی که بر انجام فعالیت‌های انتقال دانش اثرگذار هستند، مهم‌ترین مانع را سیستم‌های مدیریتی می‌دانند که این فعالیت‌ها را در مأموریت‌های سازمان خود به رسمیت نشناخته و فعالیت‌های معمول‌تر همانند چاپ مقالات را ارزشمندتر می‌دانند.

ب) فاصله نتایج تحقیقات با نیازهای کاربران بالقوه

در حوزه اجرایی نیز افرادی که به صورت بالقوه‌ای از نتایج تحقیقات پژوهشگران می‌توانند بهره ببرند، نمونه‌هایی از چالش‌ها را بیان داشتند. از مهم‌ترین مشکلات بیان شده، نبودن مکانیزیم و روشی مؤثر برای فعالان حوزه اجرایی است تا بتوانند از تحقیقات و تخصص مرتبط با موضوع مورد نظر در کشور آگاه شوند. از نظر مشارکت‌کنندگان «اولین مانع در به‌کار بردن نتایج تحقیقات»^۲، عدم اطلاع از وجود پژوهش‌های مرتبط می‌باشد. مانع دیگر مربوط به نحوه انتشار یافته‌های محققان و به‌طور مشخص قالب‌هایی است که نتایج تحقیقات در آن‌ها ارائه می‌شوند. از نظر آنان تحقیقات در قالب‌هایی ارائه می‌شوند که نخست به لحاظ حجم نوشتاری از توانایی افراد برای صرف وقت به منظور مطالعه آن‌ها خارج است. از سوی دیگر، به دلیل استفاده از زبان، واژگان و مطالب تخصصی در نگارش آن‌ها که برای افراد خارج از آن حوزه غیر آشنا می‌باشد، استفاده از این یافته‌ها را غیرممکن می‌نماید.

جنبه دیگر از فاصله نتایج تحقیقات با نیازهای کاربران بالقوه، مربوط به ویژگی‌های شواهد برخاسته از تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که در اغلب شرایط نمی‌توان تنها نتایج یک تحقیق را اساس و پایه یک تصمیم یا سیاست‌گذاری قرار داد. به این صورت که گستره یافته‌های یک پژوهش نمی‌تواند پاسخگوی جنبه‌های مختلف لازم برای یک سیاست باشد. به عبارت دیگر، تجربه فعالان حوزه‌های اجرایی بیان‌گر این موضوع است که عمده یافته‌های پژوهش‌ها فقط یک جنبه خاص از گستره وسیع یک مشکل یا موضوع که نیازمند رسیدگی است را می‌تواند پوشش دهد. به همین سبب، از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش‌های بینارشته‌ای و با مشارکت محققانی از گروه‌های مختلف، پتانسیل بسیار بیشتری را برای دستیابی به اثربخشی در برابر پژوهش‌های محض یا منحصر به یک حوزه دارا می‌باشند، زیرا که به صورت بالقوه، دانش

1. Jacobson

۲. مشارکت‌کننده از گروه کاربران

جامع‌تری را ارائه می‌کنند.

در این راستا، مشارکت‌کننده‌ای تجربه خود را مطرح کرد. با توجه به آشنایی قبلی ایشان با حوزه تحقیقاتی یک محقق و اطلاع از پژوهش مرتبط او، مشارکت‌کننده با محقق مذکور مشکل را با انجام نشست‌هایی در میان می‌گذارد و تحقیق او به‌عنوان پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و طراحی اقدامات مورد نیاز در نظر گرفته می‌شود. اما با ادامه فرآیند و حضور دیگر سازمان‌ها و افراد که در جنبه‌های اجرایی دخیل بودند، «مشخص شد که اگرچه اعتبار علمی پژوهش استناد شده خدشه‌دار نیست، اما نتیجه‌گیری‌های ارائه شده در پژوهش مذکور مورد بحث است»^۱ و بنابراین امکان اجماع بر روی تصمیمات گرفته شده بین طرفین دخیل وجود ندارد. تجربه مذکور منعکس‌کننده یکی دیگر از چالش‌ها در مسیر بهره‌بردن از نتایج تحقیقات حوزه‌های علوم انسانی و در نتیجه همکاری برای اثربخشی آن‌ها است. به بیان مشخص‌تر، مشارکت‌کنندگان بیان می‌کردند، به دلیل اینکه نتیجه‌گیری‌هایی که تنها در یک پژوهش ارائه می‌شوند به راحتی می‌توانند مورد نقد یا بحث قرار بگیرند، امکان قرار دادن آن‌ها به عنوان مبنای یک تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری وجود ندارد. به همین علت، مشارکت‌کنندگان از اهمیت افزایش حمایت‌ها برای تحقیقات بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی سخن به میان آوردند که به صورت بالقوه پاسخ‌هایی قاطع‌تر و جامع‌تر می‌توانند ارائه کنند.

ب) نبود ارتباط و همکاری روشمند بین جامعه‌های پژوهشی و اجرایی

نمونه آخر با نکات یاد شده در دسته «فاصله نتایج تحقیقات با نیازهای کاربران بالقوه» مرتبط می‌باشد، اما به واسطه اهمیت آن لازم بود تا در دسته جداگانه‌ای مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. این دسته به عدم وجود ارتباط مؤثر بین گروه‌های علمی و پژوهشی با حوزه‌های اجرایی مرتبط می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان یکی از نخستین ویژگی‌های یک ارتباط مؤثر، ادامه‌دار بودن یا به بیان یکی از مشارکت‌کنندگان، «غیر لحظه‌ای»^۲ بودن آن است. از نظر مشارکت‌کنندگان بیان نظرات در کنفرانس‌ها یا نشست‌ها توسط پژوهشگران و فعالان حوزه اجرایی، مخاطبان را فقط از جلوه‌ای از دانش تخصصی افراد بهره‌مند می‌سازد، ولی فرصت شکل‌دهی به یک ارتباط مؤثر که دو طرف را از اولویت‌ها، نیازها و مشکلات طرفین آگاه سازد، به وجود نمی‌آورد. به عبارت دیگر، در یک ارتباط

http://stlm.gom.ac.ir

۱. مشارکت‌کننده از گروه کاربران

۲. مشارکت‌کننده از گروه محققان

مؤثر، آگاهی محققان از فضا و شرایط کاری فعالان اجرایی افزایش می‌یابد و فعالان اجرایی نیز درک بهتری از اهمیت بهره بردن از نتایج تحقیقات و همچنین محدودیت‌های مربوط به آن می‌یابند. برای نمونه مشارکت‌کننده‌ای اشاره داشت که بسیاری از محققان «نه تنها از قوانین و سیاست‌های در حال تدوین مطلع نیستند، حتی از فرصت‌ها و چالش‌های این سیاست‌ها هم اطلاعی ندارند».^۱ در مصاحبه‌ها، این عدم ارتباط، به «وجود دو دنیای متفاوت»^۲ تشبیه شد که اگرچه طرفین در هدف نهایی فعالیت‌های خود در جهت حل مشکلات و ارتقای کیفیت زندگی جامعه مشترک هستند، اما از نظر اولویت‌ها، فرآیندها، نگرش‌ها و غیره، در ارتباط با نحوه دستیابی به این هدف، با هم تفاوت کامل دارند. فایده دیگر، وجود ارتباط مؤثر بین حوزه پژوهشی و حوزه اجرایی، شکل دادن اعتماد مناسبی از یکدیگر است. برای مثال، بعضی از محققان نسبت به تعهد فعالان اجرایی برای به‌کارگیری نتایج تحقیقات در فعالیت‌های خود مردد بوده یا عموم فعالان را زمانی علاقه‌مند به تحقیقات می‌دانند که توجیه‌کننده تصمیمات یا جهت‌گیری‌های آن‌ها باشد.

۴-۴. شرایط مداخله‌گر

این شرایط در سطح کلی‌تر و عام‌تری از شرایط زمینه‌ای قرار می‌گیرند و بر راهبردهایی که در پاسخ به پدیده محوری اتخاذ می‌شوند، تأثیر می‌گذارند. این شرایط ممکن است اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی باشند (استرواس و کرین، ۱۹۹۸).

در پژوهش حاضر دو عامل به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند:

الف) انتقال دانش و ایجاد اثربخشی از نتایج تحقیقات، تخصصی و وقت‌گیر است.

مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها اظهار داشتند که اگرچه انجام پژوهشی معتبر و قوی لازمه دستیابی به اثربخشی دستاوردهای آن می‌باشد، اما الزامات دیگری نیز برای موفقیت در ایجاد اثربخشی وجود دارد. به بیان آن‌ها، پس از پایان تحقیقات، باید آن را در قالبی خاص که کاربر بالقوه توانایی بهره بردن از آن را داشته باشد، ارائه نمود و سپس تلاش‌هایی را برای ارتباط و دسترسی به کاربران احتمالی انجام داد. در صورت دستیابی به اثربخشی نیز، زمان و منابع قابل توجهی نیاز است تا بتوان آن را مستند و ثبت نمود و در نهایت بتوان اعتباری حرفه‌ای را برای آن طلب کرد. این در حالی است که اگرچه فرآیند مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان، فرآیند منطقی انتقال دانش

۱. مشارکت‌کننده از گروه کاربران

۲. مشارکت‌کننده از گروه محققان

از حوزه «پژوهش» به حوزه «تقاضا» است، اما ساختارها و پیش‌بینی‌های حمایتی خاصی برای این منظور وجود ندارد تا بتوان این اهداف را به صورت متمرکز و روشمند پیگیری نمود. موارد لازم مشخص شده برای انتقال دانش و ایجاد اثربخشی، اهمیت تعریف مسئولیت‌ها و تربیت کارکنان متخصص در این حوزه را مشخص می‌نمایند.

علاوه بر این، همان‌گونه که ایجاد تغییرات ملموس و اثربخشی از تحقیقات در جامعه بسیار زمان‌بر می‌باشد، محققان منابع فراوانی برای پیگیری این تغییرات و جمع‌آوری شواهد نیاز دارند. از نظر مشارکت‌کنندگان، انجام این دسته از فعالیت‌ها فراتر از توانایی‌ها و شرایط عمده محققان است. برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان تجربه‌ای از تلاش برای دستیابی به اثربخشی پژوهش خود با همکاری سازمانی دولتی بیان نمود. محقق مذکور با حضور مستمر در سلسله نشست‌هایی تخصصی با شرکت نمایندگان سازمانی دولتی اثرگذار در امور سیاست خارجی چنین اظهار داشت: «نتایج پژوهش‌های خود را با صرف انرژی و وقت زیاد در قالب نظریه‌ای جامع و کاربردی در اختیار سازمان گذاشتم، اما به محض ورود به مرحله اجرایی برگزاری نشست‌ها متوقف شد و گفتند که دیگر نیازی به دانش نظری بنده در مرحله اجرایی نیست و در مرحله بعدی با من تماس گرفته خواهد شد».^۱ از نظر این محقق، ارتباط با کاربران بالقوه تحقیقات، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی مانند اختیارات و اعتبار حرفه‌ای نیاز دارد که از سوی سازمان‌ها می‌تواند اعطاء شود و در غیر این صورت مسیر ایجاد اثربخشی از تحقیقات بسیار چالشی خواهد بود.

ب) عدم الزام برای به‌کار بردن دانش تخصصی

در جریان مصاحبه‌ها نمونه دیگری بیان شد که مربوط به احساس مسئولیت و یا احساس ضرورت برای به‌کار گرفتن شواهد علمی یا دستاوردهای محققان در فعالیت‌های حوزه‌های کاربری می‌باشد. به‌طور مشخص، برخی از مشارکت‌کنندگان بیان کردند که «فرصت‌های اندکی برای مشارکت و ارائه نظرات تخصصی درباره موضوعات و مشکلات روز جامعه در حضور کاربران بالقوه تحقیقات وجود دارد».^۲ به بیان دیگر، آنها اظهار داشتند که در شرایط فعلی استفاده از نتایج تحقیقات محققان تا میزان زیادی وابسته به نگرش فرد مسئول در حوزه اجرایی است که در امکان اثربخشی به صورت قابل توجهی می‌تواند تعیین‌کننده باشد. از سوی دیگر نیز، در مصاحبه‌ها بیان

۱. مشارکت‌کننده از گروه محققان

۲. مشارکت‌کننده از گروه محققان

شد که علاوه بر مشکلات در دسترسی به نتایج تحقیقات مرتبط، در شرایط کنونی امکان محدودی برای استفاده بیشتر از نتایج تحقیقات وجود دارد. برای نمونه، به بیان یکی از مشارکت‌کنندگان، در حوزه قانون‌گذاری که به صورت بالقوه یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های استفاده از نتایج تحقیقات می‌باشد، عواملی مانند «تجربیات و مهارت ضمنی قانون‌گذار، منابع در اختیار، ارزش‌ها و سنت‌ها و همچنین فشارهای گروه‌های سیاسی»^۱ به غیر از نتایج تحقیقات محققان در فرآیند قانون‌گذاری دخیل هستند. بنابراین، در شرایطی که دسترسی به نتایج تحقیقات دشوار بوده و همچنین ارتباط مؤثری نیز وجود ندارد تا کاربران بتوانند نیازها و اولویت‌های خود را در انجام پژوهش‌ها با محققان در میان بگذارند، می‌توان انتظار داشت که نتایج تحقیقات علمی سهم کوچکی را در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و به صورت کلی فعالیت‌های کاربران بالقوه داشته باشند.

با این وجود، محققانی از ظرفیت‌هایی مانند کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاد اندیشی برای تشویق جوامع دانشگاهی به مشارکت بیشتر در تصمیم‌سازی‌ها و همچنین دعوت از کاربران برای افزایش سهم نتایج علمی در فعالیت‌های آنان سخن گفت. علاوه بر این، مشارکت‌کنندگان نیز راهکارهایی مانند افزایش ارتباط انجمن‌های علمی با بدنه دولت و بر فرهنگ‌سازی به جای نهادسازی در این راستا تأکید نمودند.

۴-۵. راهبردها

راهبردها، استراتژی‌ها و راه‌حل‌هایی هستند که در مواجهه با پدیده محوری اتخاذ می‌شوند (کراسول، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر، دو راهبرد:

الف) تلاش برای تولید فناوری در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی،

ب) تلاش برای گسترش تحقیقات بین‌رشته‌ای در مصاحبه‌ها، ارائه شدند.

اگرچه ممکن است بتوان نتایج و دستاوردهای قسمت کوچکی از تحقیقات در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، به خصوص تحقیقات بین‌رشته‌ای را که نتایجی نوآورانه ارائه می‌دهند، به سوی ثبت اختراع و تولید تکنولوژی هدایت کرد، اما عموم تحقیقات در این حوزه‌ها امکان تولید کالا و ثبت اختراع را ندارند. با این وجود، برخی از محققان بیان نمودند که با درخواست‌های ضمنی از سوی مدیریت پژوهش دانشگاه‌ها برای تولید تکنولوژی مواجه می‌شوند. به گفته یکی از

۱. مشارکت‌کننده از گروه کاربران

مشارکت‌کنندگان «در جلسه‌های مدیریتی بیان می‌گردد که محققان علوم انسانی نیز باید همانند محققان حوزه‌های فنی و مهندسی در زمینه‌های تجاری‌سازی قدم بردارند، ولی به صورت دقیق این افراد مشخص نمی‌کنند که محققان این حوزه‌ها چگونه باید این کار را انجام دهند»^۱. از نظر دو تن از مشارکت‌کنندگان، این درخواست‌ها به خصوص در مواردی افزایش می‌یابد که مدیریت پژوهش در مراکز علمی، تحت مدیریت مدیرانی با پیش‌زمینه حوزه‌های فنی و مهندسی باشد که نگاه صحیحی به ویژگی‌های تحقیقات حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و نتایج آنها ندارند. در ارتباط با این موضوع، محققان از تلاش‌ها برای سوق دادن و گسترش هرچه بیشتر تحقیقات بین‌رشته‌ای مانند ایجاد گروه‌ها و دانشکده‌های بین‌رشته‌ای خبر می‌دادند.

۴-۶. پیامدها

پیامدها، نتایج شکل گرفته در اثر اتخاذ راهبردها و در ارتباط با پدیده محوری مورد اشاره می‌باشند. در پژوهش حاضر از سوی مشارکت‌کنندگان پیامدهایی مانند: الف) اختصاص ناعادلانه بودجه‌های پژوهشی و امکانات، ب) تصور نادرست از بی‌ثمر بودن سرمایه‌گذاری در تحقیقات این حوزه‌ها مورد اشاره قرار گرفت.

در جریان مصاحبه‌ها مشخص گردید برای محدودسازی حوزه علوم انسانی یا اجتماعی مانند آنچه در کشور ژاپن در محدودسازی جذب دانشجوی برای این حوزه‌ها انجام گرفته یا در برنامه تحقیقاتی اتحادیه اروپا (۲۰۲۰) که بودجه پژوهشی این حوزه‌ها از «رشته محور» به «مسئله محور» بودن تغییر یافته است، روند یا تفکر اجرایی فعالی وجود ندارد. اما با وجود این، مشارکت‌کننده‌ای بیان داشت که از محققان حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی با عنوان «محققان برج عاج‌نشین» یاد می‌شود که مشغول تحقیقات نظری هستند. به اعتقاد او نکته تلویحی در این عنوان این است که «نه تنها محققان و تحقیقات آن‌ها از جامعه و مردم دور هستند، بلکه این فعالیت‌ها منفعت و فایده‌ای را هم برای جامعه ندارند»^۲.

علاوه بر این، محقق با اشاره به تغییرات ایجاد شده در یکی از دانشگاه‌های برتر کشور، بیان داشت که «اگرچه دانشکده علوم انسانی قدیمی‌ترین دانشکده این دانشگاه است و باقی دانشکده‌ها و ساختمان‌ها پس از آن ساخته و افتتاح شده‌اند، اما هیچ تغییری از لحاظ ساختمانی یا از جنبه

۱. مشارکت‌کننده از گروه محققان

۲. مشارکت‌کننده از گروه محققان

امکانات برای این دانشکده در نظر گرفته نشده است که این موضوع منعکس کننده نگاه مدیریتی دانشگاه می باشد.^۱ محققان دیگر نیز از وجود نگرش های مشابه در اولویت گذاری حوزه های پژوهشی نیز سخن به میان آوردند. محقق بیان داشت که «در مباحثی که در ارتباط با اختصاص منابع پژوهشی با یک مدیر حوزه پژوهش داشتیم، مدیر مذکور به صراحت گفت که با توجه به اثربخشی ملموس تر حوزه های فنی و مهندسی (از لحاظ اقتصادی) و همچنین اهمیت روزافزون بحث تجاری سازی تکنولوژی و تاسیس شرکت های دانش بنیان، سرمایه گذاری و اختصاص پژوهانه برای تحقیقات علوم انسانی در اولویت های پایین تری قرار می گیرد».^۲

در همین راستا، در همسویی با تحقیقات گذشته، یافته های پژوهش حاضر نیز نشانگر این موضوع می باشد که در شرایطی که تعریف درستی از اثربخشی پژوهش عملیاتی نشده است، فعالیت های انتقال دانش به تاسیس دفاتر انتقال تکنولوژی محدود خواهند شد. در حال حاضر نیز عمده تمرکز این مراکز بر تجاری سازی فعالیت هایی هست که بتواند بیشترین منفعت اقتصادی را به همراه آورند. در نتیجه، منابع قابل توجهی برای ترویج فعالیت های تجاری سازی «اختراع محور» صرف می شوند، در حالی که فعالیت های انتقال دانش در علوم انسانی و اجتماعی که بیشتر غیررسمی هستند، مورد توجه و حمایت قرار نمی گیرند (فینی^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

۵. نتیجه گیری

با وجود اهمیت اثربخشی تحقیقات در حوزه های مختلف جامعه، تحقیق حاضر در شرایطی انجام گرفت که پژوهش های اندکی به موضوع چالش های اثربخشی تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی در کشور پرداخته اند. علاوه بر این، در انجام این پژوهش ها نیز، به دیدگاه جامعه های کاربری به عنوان بخش تقاضا که نقش مهمی در به کارگیری نتایج تحقیقات این حوزه ها دارند، توجهی نشده است. در همین راستا، مدلی مفهومی از این چالش ها در این پژوهش ارائه گردید. این مدل با منعکس کردن دیدگاه افراد دخیل در انجام و به کارگیری نتایج تحقیقات، مانع اصلی دستیابی به اثربخشی، شرایط مداخله گر و زمینه ای تأثیرگذار، راهبردهای اتخاذ شده و همچنین پیامدهای شرایط حال حاضر را مشخص می نماید.

۱. مشارکت کننده از گروه محققان

۲. مشارکت کننده از گروه محققان

در تحقیق حاضر مشخص گردید که مانع بنیادین در دستیابی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در کشور به اثربخشی، نبود و عدم به‌کارگیری تعریفی عملیاتی از انتقال دانش است که با ماهیت و ویژگی‌های تحقیقات در این حوزه‌ها مانند غیررسمی بودن تعامل با کاربران همسو باشد. نبود تعریف عملیاتی مناسبی از انتقال دانش، همچنین موجب دیده نشدن فعالیت‌های حاضر محققان در اعطای مشوق‌ها شده و مسیر انتقال دانش را با چالش‌های بیشتری به علت عدم نبود حمایت‌های سازمانی روبه‌رو می‌سازد. افزون بر عوامل مربوط به حوزه پژوهش، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دیگری نیز مانند میزان دسترسی به جامعه اجرایی و یا احساس مسئولیت این گروه‌ها برای به‌کارگیری شواهد علمی، بر اثربخشی تحقیقات تأثیرگذار هستند. اما برخی از این عوامل خارج از محدوده عمل مدیریت حوزه پژوهش بوده و نیازمند اقدامات و تمهیداتی در سطوح عالی کشور می‌باشند تا فرآیند انتقال دانش و ایجاد اثربخشی از تحقیقات هموار گردد. تحقیقات بیشتری مورد نیاز است تا بتوان نقش بالقوه این کاربران و فعالیت‌های آنها را در راستای انتقال دانش و ایجاد اثربخشی مورد سنجش و بررسی قرار داد.

۶. پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای زیر برای افزایش اثربخشی تحقیقات حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی در کشور ارائه می‌شوند:

۱) عملیاتی‌سازی تعریف مناسبی از انتقال دانش برای حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی: بیلک^۱، شاکسن و کلاپزن (۲۰۱۲) و مورتون (۲۰۱۵) تفاوت‌هایی در نحوه تعریف و عملیاتی نمودن انتقال دانش برمی‌شمارند. این تفاوت‌ها می‌توانند در عملکرد و اهداف انتقال دانش، در یک جانبه یا دوطرفه بودن ارتباط میان محققان و کاربران بالقوه، جایگاه و اهمیت تولید علم به صورت مشارکتی و همچنین نقش سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد برای پیشبرد انتقال دانش شود. بنابراین، همان‌طور که در تحقیقات گذشته مورد بحث قرار گرفته است (کوپر^۲، ۲۰۱۲؛ لایس^۳، ۲۰۰۶)، این پژوهش نیز لازم می‌داند تا مدیریت حوزه‌های پژوهشی در عملیاتی نمودن تعاریف انتقال دانش توجه بیشتری را به ویژگی‌های تحقیقات حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی نمایند. عملیاتی

<http://stim.gom.ac.ir>

1. Bielak
2. Cooper
3. Lavis

نمودن تعریف مناسبی از انتقال دانش می‌تواند نقش کلیدی در کوتاه نمودن فاصله بین گروه‌های پژوهشی و جامعه‌های اجرایی در کشور داشته باشد و آن‌ها را از مشکلات و نیازهای یکدیگر آگاه سازد.

۲) توجه ویژه به مقوله انتقال دانش در کنار تولید برون‌دادهای علمی با کیفیت: همان‌گونه که بر ضرورت اثربخشی تحقیقات در اسناد بالادستی کشور تاکید شده است، دانشگاه‌ها نیز باید اثربخشی و فعالیت‌های انتقال دانش را هم در فهرست مأموریت‌های سازمانی و هم در فهرست وظایف علمی محققان خود بگنجانند و افراد متخصصی را برای این منظور به استخدام خود درآورند. این مسئله موجب خواهد شد که دانشگاه‌ها و مراکز علمی، حمایت‌های سازمانی و مشوق‌های معناداری را در نظر بگیرند تا امکان انجام انتقال دانش و اثربخشی برای محققان حوزه‌های انسانی و اجتماعی فراهم آید (کین^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ لوین^۲ و کوآی، ۲۰۱۳). بدون ارائه حمایت‌های مؤثر و معنادار، انجام فعالیت‌های انتقال دانش و ایجاد اثربخشی برای محققان ممکن نخواهد بود، زیرا این فعالیت‌ها به وقت و منابعی نیاز دارند که از سوی سازمان‌ها و مؤسسات باید تأمین گردند.

۳) تشکیل انجمن‌ها و شبکه‌های اثربخشی: به منظور شکل‌دهی ارتباطی مؤثر و کارا تر بین جوامع اجرایی و پژوهشی کشور، مراکز علمی باید در ایجاد شبکه‌های اثربخشی سرمایه‌گذاری نموده تا اعضای این جوامع بتوانند درک بهتری از نیازها، اولویت‌ها و مشکلات فعالیت‌های یکدیگر داشته باشند. این شبکه‌ها همچنین نقش بسزایی در انتقال تجربیات و گسترش دسترسی به آموزش‌های لازم خواهند داشت.

۴) برنامه‌ریزی برای اثربخشی در ابتدای پروژه‌های تحقیقاتی: محققان این حوزه‌ها لازم است در زمان انتخاب موضوعات و برنامه‌ریزی برای انجام تحقیقات توجه بیشتری را به پرداختن به مسائل روز جامعه، طرح‌ریزی مسیر انتقال دانش و همچنین شناسایی ذی‌نفعانی که می‌توانند در ایجاد اثربخشی مشارکت نمایند، داشته باشند. همکاری با ذی‌نفعان در مرحله ابتدایی برنامه‌ریزی تحقیقات، تعهدی را از سوی آنها برای حمایت از ایجاد اثربخشی شکل خواهد داد و مرتبط بودن تحقیق را با نیازهای روز و واقعی تضمین خواهد نمود.

1. Cain

2. Levin

منابع

۱. احسانی، و.؛ اعظمی، م.؛ نجفی، م.ب.؛ سهیلی، ف. (۱۳۹۵الف). اثربخشی پژوهش‌های علمی داخلی بر شاخص‌های توسعه ایران. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۲(۲): ۳۱۹-۳۴۷.
۲. احسانی، و.؛ اعظمی، م.؛ نجفی، م.ب.؛ سهیلی، ف. (۱۳۹۵ب). مقدمه‌ای بر تبیین جایگاه مفهوم «اثربخشی» در «مدل ذهنی» رایج در ایران، در راستای بررسی علل کم‌توجهی به اثربخشی پژوهش‌های فزاینده کشور. *سیاست‌نامه علم و فناوری*، ۶(۲): ۵-۲۸.
۳. بهزادی، ن.؛ رضوی، م.؛ حسینی، ر. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی. *توسعه کارآفرین*، ۷(۴): ۶۹۷-۷۱۳.
۴. پورکومله، ا.؛ قبادی، س.؛ خزایی، ک. (۱۳۹۱). *دانشگاه نسل سوم: گامی به سوی کارآفرینی*. دز: کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان. بابلسر: شرکت پژوهشی طرود شمال. قابل دسترس در: http://www.civilica.com/Paper-KNOWLEDGE01-KNOWLEDGE01_159.html
۵. خسروی، م.؛ پورنقی، ر.؛ رسولی، ب. (۱۳۹۷). *بررسی و پیشنهاد شاخص‌های تأثیر پژوهش در ایران*. قابل دسترس در: <https://irandoc.ac.ir/research/1860>
۶. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). *نقشه جامع علمی کشور*.
۷. صدیقی، م. (۱۳۹۶). *بررسی کاربرد شبکه‌های اجتماعی علمی در ارزیابی اثربخشی پژوهش‌ها (مطالعه موردی: تحقیقات حوزه علم‌سنجی)*. قابل دسترس در: <https://irandoc.ac.ir/research/1858>
۸. فتاحی، ر. (۱۳۹۳). *تقابل شاخص‌های علم‌سنجی با شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی*. سخنرانی ارائه شده در همایش ملی سنجش علم: ارزشیابی و آسیب‌شناسی (بروندادهای علمی). دانشگاه اصفهان، ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد.
۹. گلشنی، م. (۱۳۹۳). تب مقاله‌نویسی آفت است. *سرآمد*، ۹: ۷۲-۷۷.
۱۰. میشر، م.؛ موسوی، ف.؛ نخعی، ن.؛ شیبانی، و. (۱۳۸۵). بررسی رعایت اصول اخلاق در پژوهش بر حیوانات آزمایشگاهی به روش کیفی. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۱(۱): ۴۹-۶۰.
۱۱. محمودپور، ب.؛ رحیمیان، ح.؛ عباس‌پور، ع.؛ دلاور، ع. (۱۳۹۱). واکاوی چالش‌های فراروی تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی و ارائه یک نظریه زمینه‌ای. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۲): ۴۸-۱۹.
۱۲. معصومی همدانی، ح. (۱۳۸۲). *پیشرفت علمی و توسعه علمی*. دز: مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی: ۲۵۲-۲۳۷.
۱۳. نجفی، م.ب.؛ مؤمنی، ف.؛ فتح‌اللهی، ج.؛ عزیزی‌پور، ب. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر تبیین رابطه بین درآمدهای نفتی و بهره‌وری در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۵(۴): ۱۴۳-۱۷۲.
14. Abreu, M. & Grinevich, V. (2013). The nature of academic entrepreneurship in the UK: Widening the focus on entrepreneurial activities. *Research Policy*, 42(2): 408-422.
Doi: <https://doi.org/10.1016/j.respol.2012.10.005>.
15. Amara, N.; Ouimet, M. & Landry, R. (2004). New Evidence on Instrumental, Conceptual, and Symbolic Utilization of University Research in Government Agencies. *Science Communication*, 26(1): 75-106. Doi: 10.1177/1075547004267491.
16. Baldini, N.; Grimaldi, R. & Sobrero, M. (2006). Institutional changes and the commercialization of academic knowledge: A study of Italian universities, patenting activities between 1965 and

2002. *Research Policy*, 35: 518-532.
17. Bandola-Gill, J. (2019). Between relevance and excellence? Research impact agenda and the production of policy knowledge. *Science and Public Policy*, 46(6): 895-905.
Doi:10.1093/scipol/scz037.
 18. Bernard, H.R. (2002). **Research methods in anthropology**: Qualitative and quantitative approaches. 3rd ed.. Walnut Creek, CA: Altamira Press.
 19. Bielak, A.T.; Shaxson, L. & Clappison, A. (2012). **Expanding Our Understanding of K* (KT, KE, KTT, KMb, KB, KM, Etc.)**. A Concept Paper Emerging from the K* Conference Held in Hamilton, Ontario, Canada, April 2012, United Nations University Press.
 20. Bowen, G.A. (2008). Naturalistic inquiry and the saturation concept: a research note. *Qualitative Research*, 8(1): 137-152. <https://doi.org/10.1177/1468794107085301>.
 21. Bozeman, B. (2000). Technology transfer and public policy: a review of research and theory. *Research Policy*, 29(4): 627-655. **Doi:** [https://doi.org/10.1016/S0048-7333\(99\)00093-1](https://doi.org/10.1016/S0048-7333(99)00093-1).
 22. Cain, K.; Shore, K.; Weston, C. & Sanders, C.B. (2018). Knowledge Mobilization as a Tool of Institutional Governance: Exploring Academics' Perceptions of "Going Public". *Canadian Journal of Higher Education/Revue canadienne d'enseignement supérieur*, 48(2): 39-54.
 23. Cooper, A. (2012). **Knowledge mobilization intermediaries in education: A cross-case analysis of 44 Canadian organizations**. University of Toronto.
 24. Creswell, J.W. & Brown, M.L. (1992). How chairpersons enhance faculty research: A grounded theory study. *The Review of Higher Education*, 16(1): 41-62.
Doi:10.1353/rhe.1992.0002.
 25. Creswell, J.W. (2007). **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. 2nd ed. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
 26. Elliott, N. & Jordan, J. (2010). Practical strategies to avoid the pitfalls in grounded theory research. *Nurse Researcher*, 17(4): 29-40. **Doi:**10.7748/nr2010.07.17.4.29.c7922.
 27. Etzkowitz, H. (2004). The evolution of the entrepreneurial university. *International Journal of Technology and Globalisation*, 1(1): 64-77.
 28. Fini, R.; Lacetera, N. & Shane, S. (2010). Inside or outside the IP system? Business creation in academia. *Research Policy*, 39(8): 1060-1069. **Doi:** <https://doi.org/10.1016/j.respol.2010.05.014>.
 29. Graham, I.D.; Grimshaw, J.M.; Tetroe, J.M. & Robinson, N.J. (2005). **KT Challenges for Researchers: How Are Canadian Health Researchers Promoting the Uptake of Their Findings?** Ottawa: Ottawa Health Research Institute.
 30. Graham, I.D.; McCutcheon, C. & Kothari, A. (2019). Exploring the frontiers of research co-production: the Integrated Knowledge Translation Research Network concept papers. *Health Research Policy and Systems*, 17(1): 88. **Doi:**10.1186/s12961-019-0501-7.
 31. Hatch, J.A. (2002). **Doing qualitative research in education settings**. Suny Press.
 32. Health Research Council of New Zealand. (2020). **Research Impact Assessment**.
 33. [PowerPoint slides]. Retrieved from: <https://www.hrc.govt.nz/sites/default/files/2019-09/2020%20Research%20Impact%20Slideshow%20with%20notes.pdf>.
 34. Jacobson, N.; Butterill, D. & Goering, P. (2004). Organizational Factors that Influence University-Based Researchers' Engagement in Knowledge Transfer Activities. *Science Communication*, 25(3): 246-259. **Doi:**10.1177/1075547003262038.
 35. Lavis, J.N. (2006). Research, public policymaking, and knowledge translation processes:

- Canadian efforts to build bridges. *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26(1): 37-45.
36. Levin, B. & Qi, J. (2013). Assessing organizational efforts to mobilize research knowledge in education. *education policy analysis archives*, 21.
37. Lincoln, Y.S. & Guba, E.G. (1985). **Naturalistic inquiry**. Beverly Hills, Calif: Sage Publications.
38. Mahony, P. & Weiner, G. (2019). Neo-liberalism and the state of higher education in the UK. *Journal of Further and Higher Education*, 43(4): 560-572.
39. Morrow, S.L. & Smith, M.L. (1995). Constructions of survival and coping by women who have survived childhood sexual abuse. *Journal of Counseling Psychology*, 42(1): 24-33.
Doi:10.1037/0022-0167.42.1.24.
40. Morse, J.M. & Field, P.A. (1995). **Nursing research: The application of qualitative approaches**. Nelson Thornes.
41. Morton, S. (2015). Creating research impact: the roles of research users in interactive research mobilisation. *Evidence & Policy: A Journal of Research, Debate and Practice*, 11(1): 35-55.
Doi:10.1332/174426514X13976529631798.
42. Olmos-Peñuela, J.; Benneworth, P. & Castro-Martínez, E. (2014). Are sciences essential and humanities elective? Disentangling competing claims for humanities' research public value. *Arts and Humanities in Higher Education*, 14(1): 61-78. **Doi:**10.1177/1474022214534081.
43. Patton, M. (2002). **Qualitative Research and Evaluation Methods**. 3rd edn. Thousand Oaks, CA: Sage.
44. Pettigrew, A.M. (2011). Scholarship with Impact. *British Journal of Management*, 22(3): 347-354.
Doi:10.1111/j.1467-8551.2011.00769x.
45. Strauss, A. & Corbin, J. (1998). **Basics of qualitative research techniques**. Sage publications Thousand Oaks, CA.
46. Strauss, A.L. (1987). **Qualitative Analysis for Social Scientists**. Cambridge: Cambridge University Press.
47. Tsey, K.; Lawson, K.; Kinchin, I.; Bainbridge, R.; McCalman, J.; Watkin, F. & et al. (2016). Evaluating Research Impact: The Development of a Research for Impact Tool. *Frontiers in Public Health*, 4(160). **Doi:**10.3389/fpubh.2016.00160.
48. UKRI. (2014). **REF impact**. Retrieved from: <https://re.ukri.org/research/ref-impact/>.
49. Williams, K. & Grant, J. (2018). A comparative review of how the policy and procedures to assess research impact evolved in Australia and the UK. *Research Evaluation*, 27(2): 93-105.
Doi:10.1093/reseval/rvx042.
50. Yin, R.K. (2015). **Qualitative research from start to finish**. Guilford Publications.

References

1. Abreu, M. & Grinevich, V. (2013). The nature of academic entrepreneurship in the UK: Widening the focus on entrepreneurial activities. *Research Policy*, 42(2): 408-422.
Doi: <https://doi.org/10.1016/j.respol.2012.10.005>.
2. Amara, N.; Ouimet, M. & Landry, R. (2004). New Evidence on Instrumental, Conceptual, and Symbolic Utilization of University Research in Government Agencies. *Science Communication*, 26(1): 75-106. **Doi:**10.1177/1075547004267491.

3. Baldini, N.; Grimaldi, R. & Sobrero, M. (2006). Institutional changes and the commercialization of academic knowledge: A study of Italian universities, patenting activities between 1965 and 2002. *Research Policy*, 35: 518-532.
4. Bandola-Gill, J. (2019). Between relevance and excellence? Research impact agenda and the production of policy knowledge. *Science and Public Policy*, 46(6): 895-905.
Doi:10.1093/scipol/scz037.
5. Behzadi, N.; Razavi, M. & Hosseini, R. (2014). Designing a conceptual model of entrepreneurial university with organizational entrepreneurship approach. *Journal of Entrepreneurial Development*, 7(4): 697-713. [In Persian]
6. Bernard, H.R. (2002). **Research methods in anthropology: Qualitative and quantitative approaches**. 3rd ed.. Walnut Creek, CA: Altamira Press.
7. Bielak, A.T.; Shaxson, L. & Clappison, A. (2012). **Expanding Our Understanding of K* (KT, KE, KTT, KMb, KB, KM, Etc.)**. A Concept Paper Emerging from the K* Conference Held in Hamilton, Ontario, Canada, April 2012, United Nations University Press.
8. Bowen, G.A. (2008). Naturalistic inquiry and the saturation concept: a research note. *Qualitative Research*, 8(1): 137-152. <https://doi.org/10.1177/1468794107085301>.
9. Bozeman, B. (2000). Technology transfer and public policy: a review of research and theory. *Research Policy*, 29(4): 627-655. **Doi:** [https://doi.org/10.1016/S0048-7333\(99\)00093-1](https://doi.org/10.1016/S0048-7333(99)00093-1).
10. Cain, K.; Shore, K.; Weston, C. & Sanders, C.B. (2018). Knowledge Mobilization as a Tool of Institutional Governance: Exploring Academics' Perceptions of "Going Public". *Canadian Journal of Higher Education/Revue canadienne d'enseignement supérieur*, 48(2): 39-54.
11. Comprehensive scientific map of the country (2010). **Supreme Council of the Cultural Revolution**. [In Persian]
12. Cooper, A. (2012). **Knowledge mobilization intermediaries in education: A cross-case analysis of 44 Canadian organizations**. University of Toronto.
13. Creswell, J.W. & Brown, M.L. (1992). How chairpersons enhance faculty research: A grounded theory study. *The Review of Higher Education*, 16(1): 41-62.
Doi:10.1353/rhe.1992.0002.
14. Creswell, J.W. (2007). **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. 2nd ed. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
15. Ehsani, V.; Azami, M.; Najafi, M.B & Soheili, F. (2016 A). The impact of internal scientific research on Iran's development indicators. *Journal of Information Processing and Management*, 32(2): 319-347. [In Persian]
16. Ehsani, V.; Azami, M.; Najafi, M.B & Soheili, F. (2016 B). An introduction to explaining the place of the concept of "impact" in the "mental model" common in Iran, in order to investigate the causes of lack of attention to the impact of research in the country. *Science and Technology Policy*, 6(2): 5-28. [In Persian]
17. Elliott, N. & Jordan, J. (2010). Practical strategies to avoid the pitfalls in grounded theory research. *Nurse Researcher*, 17(4): 29-40. **Doi:**10.7748/nr2010.07.17.4.29.c7922.
18. Etzkowitz, H. (2004). The evolution of the entrepreneurial university. *International Journal of Technology and Globalisation*, 1(1): 64-77.
19. Fattahi, R. (2014). **Confrontation of scientometric indicators with indicators of socio-**

- economic development.** Lecture presented at the National Conference on Science Assessment: Evaluation and Pathology (Scientific Outputs). University of Isfahan, Isfahan, Iran. [In Persian]
20. Fini, R.; Lacetera, N. & Shane, S. (2010). Inside or outside the IP system? Business creation in academia. *Research Policy*, 39(8): 1060-1069. **Doi:** <https://doi.org/10.1016/j.respol.2010.05.014>.
 21. Golshani, M. (2014). Essay fever is a plague. *SarAmad*, 9: 72-77. [In Persian]
 22. Graham, I.D.; Grimshaw, J.M.; Tetroe, J.M. & Robinson, N.J. (2005). **KT Challenges for Researchers: How Are Canadian Health Researchers Promoting the Uptake of Their Findings?** Ottawa: Ottawa Health Research Institute.
 23. Graham, I.D.; McCutcheon, C. & Kothari, A. (2019). Exploring the frontiers of research co-production: the Integrated Knowledge Translation Research Network concept papers. *Health Research Policy and Systems*, 17(1): 88. **Doi:**10.1186/s12961-019-0501-7.
 24. Hatch, J.A. (2002). **Doing qualitative research in education settings.** Suny Press.
 25. Health Research Council of New Zealand. (2020). **Research Impact Assessment.**
 26. [PowerPoint slides]. Retrieved from: <https://www.hrc.govt.nz/sites/default/files/2019-09/2020%20Research%20Impact%20Slideshow%20with%20notes.pdf>.
 27. Jacobson, N.; Butterill, D. & Goering, P. (2004). Organizational Factors that Influence University-Based Researchers' Engagement in Knowledge Transfer Activities. *Science Communication*, 25(3): 246-259. **Doi:**10.1177/1075547003262038.
 28. Khosravi, M.; Pornaghi, R. & Rasouli, B. (2016). **Investigating and proposing indicators of research impact in Iran.** Available at: <https://irandoc.ac.ir/research/1860>. [In Persian]
 29. Lavis, J.N. (2006). Research, public policymaking, and knowledge translation processes: Canadian efforts to build bridges. *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26(1): 37-45.
 30. Levin, B. & Qi, J. (2013). Assessing organizational efforts to mobilize research knowledge in education. *education policy analysis archives*, 21.
 31. Lincoln, Y.S. & Guba, E.G. (1985). **Naturalistic inquiry.** Beverly Hills, Calif: Sage Publications.
 32. Mahmoud Pour, B.; Rahimian, H.; Abas pour, A. & Delavar, A. (2012). Investigating the Challenges of Commercializing Humanities Research and Presenting a Underlying Theory. *Quarterly of Innovation and Creativity in the Humanities*, 2: 48-19. [In Persian]
 33. Mahony, P. & Weiner, G. (2019). Neo-liberalism and the state of higher education in the UK. *Journal of Further and Higher Education*, 43(4): 560-572.
 34. Masoumi Hamedani, H. (2003). **Scientific progress and scientific development.** In: Proceedings of the Conference on Policies and Management of Growth and Development Programs in Iran. Tehran: Higher Institute of Management Education and Research and Planning, 252-237. [In Persian]
 35. Mobasher, M.; Mousavi, F.; Nakhaie, N. & Shibani, V. (2006). Investigating the principles of ethics in research on laboratory animals in a qualitative method. *Ethics in Science and Technology*, 1(1): 49-60. [In Persian]
 36. Morrow, S.L. & Smith, M.L. (1995). Constructions of survival and coping by women who have survived childhood sexual abuse. *Journal of Counseling Psychology*, 42(1): 24-33. **Doi:**10.1037/0022-0167.42.1.24.

37. Morse, J.M. & Field, P.A. (1995). **Nursing research: The application of qualitative approaches**. Nelson Thornes.
38. Morton, S. (2015). Creating research impact: the roles of research users in interactive research mobilisation. *Evidence & Policy: A Journal of Research, Debate and Practice*, 11(1): 35-55. **Doi:**10.1332/174426514X13976529631798.
39. Najafi, M.; Momeni, F.; Fatollahi, J. & Azizi pour, B. (2015). An introduction to explaining the relationship between oil revenues and productivity in Iran. *Quarterly of scientific Research in Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 15(4): 143-172. [In Persian]
40. Olmos-Peñuela, J.; Benneworth, P. & Castro-Martínez, E. (2014). Are sciences essential and humanities elective? Disentangling competing claims for humanities' research public value. *Arts and Humanities in Higher Education*, 14(1): 61-78. **Doi:**10.1177/1474022214534081.
41. Patton, M. (2002). **Qualitative Research and Evaluation Methods**. 3rd edn. Thousand Oaks, CA: Sage.
42. Pettigrew, A.M. (2011). Scholarship with Impact. *British Journal of Management*, 22(3): 347-354. **Doi:**10.1111/j.1467-8551.2011.00769x.
43. Purkumleh, A.; Ghobadi, S. & Khazaei, K. (2012). **Third Generation University: A Step Towards Entrepreneurship**. In: National Conference on Entrepreneurship and Management of Knowledge-Based Businesses. Babolsar: North Taroud Research Company. Accessible in <https://civilica.com/doc/174903>. [In Persian]
44. Sedighi, M. (2017). **Investigating the application of scientific social networks in evaluating the effectiveness of researches (Case study: Research in the field of scientometrics)**. Available at: <https://irandoc.ac.ir/research/1858>. [In Persian]
45. Strauss, A. & Corbin, J. (1998). **Basics of qualitative research techniques**. Sage publications Thousand Oaks, CA.
46. Strauss, A.L. (1987). **Qualitative Analysis for Social Scientists**. Cambridge: Cambridge University Press.
47. Tsey, K.; Lawson, K.; Kinchin, I.; Bainbridge, R.; McCalman, J.; Watkin, F. & et al. (2016). Evaluating Research Impact: The Development of a Research for Impact Tool. *Frontiers in Public Health*, 4(160). **Doi:**10.3389/fpubh.2016.00160.
48. UKRI. (2014). **REF impact**. Retrieved from: <https://re.ukri.org/research/ref-impact/>.
49. Williams, K. & Grant, J. (2018). A comparative review of how the policy and procedures to assess research impact evolved in Australia and the UK. *Research Evaluation*, 27(2): 93-105. **Doi:**10.1093/reseval/rvx042.
50. Yin, R.K. (2015). **Qualitative research from start to finish**. Guilford Publications.

<http://stim.gom.ac.ir>

استناد به این مقاله

DOI: 10.22091/stim.2020.5770.1415

گلحسینی، حمید؛ حسینی، طاهره؛ حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۰). چالش‌های اثربخشی تحقیقات در علوم انسانی و اجتماعی در ایران: تحلیلی داده بنیاد. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۷(۲): ۱۴۱-۱۷۴.